



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

امام رضوان الله عليه در تحریر الوسیله می فرماید: «مسألة ۶۱ - لو كان للعین الموقوفة منافع متجددة وثمرات متنوعة يملك الموقوف عليهم جميعا مع إطلاق الوقف، ففي الشاة الموقوفة يملكون صوفها (پشم) المتجددة ولبنها ونتاجها (بچه) وغيرها، وفي الشجر والنخل ثمرهما ومنفعة الاستظلال (سایه) بهما والسعف (شاخه های اصلی) والأغصان (شاخه های فرعی) والأوراق اليابسة (برگ خشک)، بل وغيرها مما قطعت للإصلاح (شاخه های بریده شده)، وكذا فروخهما (شاخه های کوچکی که از تنه درخت بوجود می آید) وغير ذلك وهل يجوز في الوقف التخصيص ببعض المنافع حتى يكون للموقوف عليهم بعض المنافع دون بعض؟ الأقوى ذلك»<sup>۱</sup>.

دلیل این مطالب این است که وقتی واقف وقف کرد برای همیشه از ملکش خارج و در ملک موقوف علیه وارد می شود و وقتی موقوف علیه مالک عین شد مسلماً مالک نمائات و فروع و عوائد و منافع آن نیز می باشد مثلاً وقتی مالک گوسفند شد مالک پشم و شیر و بچه گوسفند نیز می شود و یا وقتی مالک مرغ شد مالک تخم مرغ هم می شود و یا وقتی مالک درخت شد مالک شاخه ها و میوه ها و برگ های آن نیز می شود پس هرکسی مالک اصل است مالک نمائات آن نیز می باشد.

خب و اما علاوه بر قاعده مذکور یک خبری نیز در اینجا وجود دارد که در باب اجاره ذکر شده ولی می تواند دلیل برای مانحن فیه نیز باشد، خبر این است: «وباسناده عن محمد بن یحیی، عن محمد بن الحسین، عن محمد بن عبد الله بن هلال، عن عقبة بن خالد قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن رجل أتى أرض رجل فزرعها بغير اذنه حتى إذا بلغ الزرع جاء صاحب الأرض فقال: زرع بغير إذني فزرعك لي وعلى ما

أنفقت، أله ذلك؟ فقال: للزارع زرة، ولصاحب الأرض كراء أرضه. ورواه الكليني، عن محمد بن يحيى مثله»<sup>۲</sup>.

سند حدیث: شیخ طوسی خبر را از کتاب محمد بن یحیی ابو جعفر عطار قمی أخذ کرده که از اساتید کلینی و در طبقه ۸ می باشد، محمد بن حسین بن ابی الخطاب نیز ثقة است اما محمد بن عبدالله بن هلال و عقبة بن خالد توثیق نشده اند لذا حدیث از این جهت ضعیف است ولی مورد عمل فقهاء ما می باشد و ضعفش بواسطه عمل آنها جبران می شود.

حضرت در این خبر فرموده اند زراعت مال زارع است و صاحب زمین می تواند کرایه زمین را از زارع بگیرد بنابراین هر کس مالک بذر باشد مالک زراعت و محصول نیز می باشد و حتی اگر غاصب بذری را غصب کند و در زمین خودش بکارد مالک محصول نیست بلکه صاحب بذر مالک محصول می باشد و یا اگر غاصب زمین دیگری را غصب کند و بذر بکارد با اینکه مالک زمین نیست ولی خودش مالک محصول می باشد این یک قاعده می باشد.

در اینجا چند نظر وجود دارد؛ اول نظر امام رضوان الله علیه بود که فرمودند فرقی بین نمائات متصله و منفصله و نمائات موجوده و غیر موجوده نیست لذا وقتی واقف وقف کرد تمام نمائات اعم از متصله و منفصله، موجوده و غیر موجوده متعلق به موقوف علیهم می باشد، قول دوم این است که منافع موجود فقط در صورت تصریح واقف جزء موقوف محسوب می شود و اگر واقف در وقف تصریح نکرده باشد جزء آن نمی باشد و متعلق به خودش است و اما قول سوم این است که منافع موجود جزئی از موقوف است لذا وقتی وقف شد جزء موقوف محسوب می شود و متعلق به موقوف علیهم است اما بعداً اگر منافعی بوجود بیاید متعلق به واقف می باشد، حالا باید بعداً دلائل این نظریات را دقیقاً بررسی کنیم.

بقیه بحث بماند برای روز شنبه إن شاء الله تعالی ...

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی

محمد و آله الطاهیرین

<sup>۱</sup> «وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۳، ص ۲۸۳، ابواب احکام اجاره، باب ۳۳، حدیث ۲، ط الاسلامیه.

<sup>۲</sup> «تحریر الوسیله، امام خمینی، ج ۲، ص ۷۵.